

سهم زنان از قدرت در عراق پساصدام



(هما مبذول، پژوهشگر مؤسسه آینده پژوهی جهان اسلام)

مقدمه

جنگ و شرایط پس از آن، زنان را با حادثترین مسائل مواجه می‌کند؛ در حالی که معمولاً مشکلات آنها در میان مسائل امنیتی و اقتصادی گم می‌شود. در این میان، کنار گذاشته شدن زنان از مذاکرات صلح و نیز تصمیم‌گیری برای تأسیس دولت جدید، نابرابری و استمرار ظلم را تعمیق می‌کند. کشور عراق در دو دهه اخیر، تجربه‌ای این‌چنینی را پشت سر گذاشته است. پس از سال ۲۰۰۳ با ورود نیروهای امریکایی و سقوط حکومت، آشوب و ناامنی در عراق، حاکم و بر مشکلات زنان افزوده شد. آشوب‌های ناشی از جنگ، خشونت‌های جنسیتی علیه زنان را به دنبال داشت و آنان را از بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی بازداشت. با حضور امریکا در عراق، وضعیت زنان نه تنها بهبود نیافت، بلکه امنیتشان بیش از پیش به مخاطره افتاد و ابعاد جدیدتری یافت. آزار و اذیت‌های جنسیت‌محور، ازدواج‌های اجباری و قتل‌های ناموسی بخشی از مسائلی بودند که با وجود امریکا در کشور و در منطقه، باز هم حل نشدند و فعالیت‌های اجتماعی زنان، تحت تأثیر شرایط جدید، محدود شد. آنچه در این نوشتار بررسی می‌شود، میزان مشارکت زنان عراقی در قدرت سیاسی، پس از حمله ایالات متحده است. فرض این است که زنان با وجود تمام رنج‌هایی که در عراق پس از تجاوز امریکا متحمل شدند، سهم مهمی در ساختارهای تصمیم‌گیری در سطوح کلان نداشته‌اند. زنان از برنامه آشتی ملی در سال ۲۰۰۶ که توسط دولت عراق برای ترویج مدارا و پرهیز از خشونت‌طلبی و افزایش احترام به قانون آغاز شد، کنار گذاشته شدند و بنابراین از روند حل منازعات، مذاکرات و فرایند صلح‌سازی محروم ماندند؛ حتی حضور آنان در پارلمان نیز کمکی به رفع موانع ساختاری مشارکت آنها در رأس نظام قدرت نکرد.

تأثیر جنگ بر زنان

زنان عراقی از سال ۱۹۸۰ حق مشارکت در انتخابات را داشتند و در سه دوره پارلمانی بعد از آن تاریخ، به ترتیب ۴,۶ درصد، ۱۳,۲ درصد و ۱۰,۸ درصد کرسی‌های پارلمان را به دست آوردند؛ اما در آغاز دهه ۹۰ میلادی با شروع تحریم‌های بین‌المللی علیه عراق، شرایط برای زنان در عراق دشوار شد و اهمیت قدرت و مشارکت آنها به طرز آشکاری به حاشیه رانده شد. یکی از مسائلی که ایالات متحده برای توجیه حمله خود به عراق بر آن تکیه کرد، وضعیت



زنان تحت حکومت صدام بود؛ چنان‌که بوش اظهار کرد: «تردیدي ندارم که توانمندسازی زنان در دموکراسی‌های نوپا سطح کشور هدف را ارتقا می‌دهد و صلح را در نسل‌های آینده نهادینه می‌کند.» اما این اظهارات، با رخدادهایی که در سال‌های بعد از سقوط صدام در عراق اتفاق افتاد، فاصله بسیاری دارد. دولت بوش توانمندسازی زنان را اساس دموکراتیزه‌شدن و صلح‌سازی در عراق پس از جنگ می‌خواند؛ اما موضوع زنان برای دولت امریکا نه امری مربوط به مسائل بشردوستانه و توسعه، بلکه ضرورتی سیاست خارجی بود.

زنان در عراق، جنگ‌ها و آسیب‌های متنوعی را پشت‌سر گذاشته‌اند: از آغاز دهه ۱۹۹۰ با حمله صدام به کویت و متعاقب آن، تحریم عراق برای بیش از یک دهه گرفته تا تجاوز نظامی ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ و پس از آن، ظهور تروریسم و قدرت‌یافتن داعش در مناطق وسیعی از این کشور طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷. به دلیل طولانی‌بودن سال‌های جنگ و وجود بحران در عراق، شکاف‌های اطلاعاتی زیادی درباره شرایط زنان در این کشور وجود دارد؛ ضمن اینکه وجود موانع فرهنگی، مذهبی و اجتماعی فراوان برای مطالعه درباره مسائل زنان، کار در این حوزه را پیچیده‌تر کرده‌اند. همچنین، به دلایلی از جمله مشکلات امنیتی، امکان دسترسی مستقیم به بسیاری از زنان وجود ندارد. دانستن این پیشینه ضروری است تا درک درستی از جایگاه سیاسی زنانی که گاهی حتی از کوچک‌ترین حقوق خود محروم بوده‌اند، ایجاد شده و سطح انتظارات، متناسب با آن، تنظیم شود.

ناکامی زنان در دستیابی به قدرت

ابتدا لازم است بپذیریم حضور زنان در عرصه سیاسی عراق، چه توسط اسلام‌گرایان و چه احزاب سکولار، تنها به صورت نمادین و برای ایجاد تصویری مقبول‌تر از خود بوده است و در واقع، قدرت زیادی در اختیار این زنان قرار نمی‌گیرد. زنانی هم که به جایگاهی دست می‌بایند، وظایف خود را در راستای اهداف حزبی تنظیم می‌کنند و به ندرت به مسائل خاص زنان توجه دارند. به گفته ناجیه العلی و نیکولا پرات، بیشتر زنان نماینده مجلس، همسران یا خواهران یا دختران سیاستمداران مردی هستند که مایل‌اند صندلی‌های اختصاص داده‌شده بر اساس سهمیه را با زنان پر کنند؛ بدون اینکه مجبور باشند درگیر موضوعات واقعی و مهم برابری جنسیتی و حقوق زنان شوند.

برخلاف بزرگ‌نمایی‌های رسانه‌ها و مقامات، نفوذ سیاسی و قدرت زنان عراقی در تصمیم‌گیری‌های حیاتی بسیار محدود است و حتی پس از ورود امریکا به این کشور محدودتر شده است. بعد از تجاوز ایالات متحده به عراق، اختلافات قومی و مذهبی در میان مردم شدت گرفت و این امر زمینه را برای بروز اختلاف در میان گروه‌های زنان عراق افزایش داد. این گروه‌ها تا پیش از این صرفاً به همکاری در موضوعات مرتبط با زنان و دغدغه‌های آنان متمایل بودند و با هم اتحاد و همدلی داشتند؛ اما اکنون هرکدام به دنبال اهداف حزبی، فرقه‌ای و مذهبی خود هستند.

با وجود ورود زنان به عرصه سیاست و حتی تصدی چندین پست وزارت در نظام جدید عراق، این روند آن‌طور که شایسته بود، استمرار نیافت. در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ ریاست شش وزارتخانه به زنان واگذار شد؛ در حالی که این تعداد در کابینه دوم مالکی به یک نفر کاهش یافت. ابتهال الزیدی، وزیر خارجه عراق در امور زنان، در این دوران بیان کرد هیچ قدرتی برای مدیریت مشکلات رفاهی زنان ندارد و این وزارتخانه چیزی بیش از دفتر مشاوره با بودجه‌ای

محدود و بدون صلاحیت‌های اجرایی نیست. این روند کاهشی در سال‌های بعد نیز ادامه یافت. در سال ۲۰۱۶ نیز به دنبال کوچک شدن دولت عراق بر اثر اعتراضات، وزیر مشاور در امور زنان حذف شد.

درگیری‌های مداوم امنیتی و نظامی در عراق، در بیشتر موارد، به کم‌اهمیت تلقی شدن موضوعات زنان و به حاشیه رانده شدن جایگاه زنان در تصمیم‌گیری‌ها منجر شده و بهانه بیشتر آن‌ها ناتوانی زنان برای گرفتن تصمیمات مهم و راهبردی و نیز آسیب‌پذیری بودن آن‌ها در برابر تهدیدها و خشونت‌های سیاسی بیان شده است. البته این حقیقتی انکارناپذیر است که حضور در سطح رهبری و تصمیم‌گیری‌های کلان یک کشور، نیاز به زنانی تحصیل کرده، آگاه، توانمند و باتجربه دارد؛ با این حال، کم‌اهمیت تلقی شدن توانمندسازی و آموزش زنان به اندک ماندن تعداد زنان مناسب برای تصدی مناصب برجسته در این کشور منتهی شده و این به چرخه‌ای باطل تبدیل شده است.

دستاوردها اندک، اما ضروری

با این حال نباید برخی تغییرات صورت گرفته به نفع زنان را نادیده انگاشت. در قانون اساسی جدید عراق تصریح شده است که تمام افراد، فارغ از جنس، خون، زبان و ریشه خانوادگی یا مذهب، در مقابل قانون برابرند. همچنین، طبق قانون انتخابات عراق، حداقل ۲۵ درصد از نامزدهای موجود در لیست نامزدهای هر حزب باید زن باشد و ۲۵ درصد از کرسی‌های نمایندگی سطح ملی به زنان اختصاص می‌یابد. در اقلیم کردستان، اوضاع کمی متفاوت است؛ برای مثال، شورای عالی امور زنان تشکیل شده است که هدف خود را توانمندسازی زنان و دختران، مشارکت فعال آن‌ها در ایجاد صلح پایدار، حمایت از ثبات، کمک به توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اقلیم و نیز رفع انواع تبعیض‌های جنسیت‌محور معرفی کرده است. افزون بر این در کردستان، حدود ۳۰ درصد از سهمیه پارلمان متعلق به زنان است که در مقایسه با سایر مناطق، پیشرفت به حساب می‌آید. شاید یکی از دلایل این باشد که زنان در فرایند شکل‌گیری قوانین و سیاست‌ها تا حدودی مشارکت داشته‌اند. ریشه این تفاوت دیدگاه را می‌توان در تمایل اقلیم به کسب وجهه نزد غرب و نیز سابقه زنان کرد در مبارزات ناسیونالیستی دانست. یکی از ابتکاراتی که در اقلیم کردستان صورت گرفت، ایجاد شبکه‌ای به نام «گروه صلح زنان» متشکل از رهبران زن احزاب سیاسی مختلف است که در سال ۲۰۱۰ تأسیس شد.

عراق در سال ۱۹۸۶ به مهم‌ترین توافق بین‌المللی مربوط به برابری جنسیتی، یعنی کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، پیوست؛ اما همچنان حق خود برای برخی استثنائات را محفوظ می‌داند. ۷۰ زن در سال ۲۰۰۵ در مجلس نمایندگان با نسبت ۲۵٫۸ درصد انتخاب شدند؛ البته در کمیته‌ای که برای اصلاح قانون اساسی انتخاب شد، تنها دو درصد از اعضا زن بودند. بر اساس قانون اساسی عراق، زنان از حق رأی و انتخاب و کاندیداتوری برخوردارند. سهمیه ۲۵ درصدی هم که در قانون اساسی موقت برای زنان در نظر گرفته شده بود، از فصل مربوط به حقوق و تکالیف به فصل قوانین انتقالی تغییر مکان داد و این به معنای آن بود که این سهمیه در آینده به راحتی قابل حذف خواهد بود.

جامعه مدنی در سال ۲۰۱۴ نخستین گزارش سایه^۱ درباره وضعیت زنان عراقی در درگیری‌های مسلحانه و شرایط

پسادرگیری را به کمیته CEDAW ارسال کرد. گزارش‌های سایه CEDAW گزارش‌هایی برای آشکارکردن میزان اقدامات قانونی و واقعی یک کشور در زمینه تعهدات آن کشور به معاهده است. گزارش‌های سایه اگر به‌دقت تنظیم شوند، می‌توانند ابزار قدرتمندی در بستر جامعه مدنی باشند. علاوه بر این، عراق در سال ۲۰۱۴ نخستین کشور حوزه منا بود که برنامه اقدام ملی برای قطعنامه ۱۳۲۵ در زمینه زنان، صلح و امنیت تهیه کرد. این برنامه به منظور مشارکت جامعه مدنی با نهادهای تصمیم‌گیرنده بود. به دنبال رونمایی از برنامه اقدام ملی عراق در سال ۲۰۱۴، ابتکار عمل نپ ۱۳۲۵ عراق به عنوان شبکه‌ای از سازمان‌های زنان و سازمان‌های غیردولتی به وجود آمد که ۳۱ سازمان را در سراسر کشور با هدف کمک به ایجاد و حفظ صلح و امنیت در عراق با اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ شامل می‌شد. اداره توانمندسازی زنان عراق نیز در دسامبر ۲۰۲۰ دومین برنامه ملی برای اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل را برای ارتقای وضعیت زنان در این کشور راه‌اندازی کرد.

با این حال، قانون سال ۲۰۱۵ که برای نظم‌دادن به احزاب سیاسی در سطح فدرال تصویب شد، هیچ ماده خاصی در زمینه مشارکت زنان نداشت و تنها به برابری فرصت برای تمام شهروندان اشاره کرده بود. پس از نابودی داعش نیز در سال ۲۰۱۷ با وجود اینکه مأموریت کمک سازمان ملل متحد به عراق (UNAMI) با همکاری UNWOMEN و کمیته آشتی ملی دولت عراق و دفتر امور زنان نخست‌وزیری، جلسه‌ای را با زنان شاخص عراقی تشکیل دادند تا درباره مشارکت زنان در روند آشتی ملی عراق مذاکره نمایند، زنان هنوز در رده‌های تصمیم‌گیری و سطوح صلح‌سازی، نمایندگان کمی دارند.

رتبه	سال انتخابات	درصد زنان
۷۶	۲۰۰۰/۰۳	۷,۶
۲۸	۲۰۰۵/۱۲	۲۵,۵
۳۹	۲۰۱۰/۰۳	۲۵,۲
۵۰	۲۰۱۴/۰۴	۲۵,۳
۶۷	۲۰۱۸/۰۵	۲۵,۲

درصد کرسی‌های زنان در مجلس ملی عراق (۲۰۱۸-۲۰۰۰)

صرف حضور زنان در پارلمان لزوماً به حل مسائل زنان و در اولویت قرار گرفتن آن‌ها منتهی نمی‌شود. بر اساس گزارش UNDP در سال ۲۰۱۴ نمایندگان زنان نتوانستند انتظارات رأی‌دهندگان را برآورده کنند، از جایگاه خود برای مقابله با مشکلات اصلی زنان استفاده نکرده‌اند و هیچ طرح مبتکرانه‌ای برای تقویت چشم‌اندازهای بالقوه جایگاه زنان ارائه نکردند. به بیان دیگر، صدای آن‌ها شنیده نشد. البته نباید عملکرد ضعیف زنان را از عملکرد ضعیف کل پارلمان جدا دانست، با توجه به قوانین زیادی که در لیست انتظار بودند از جمله قوانین مربوط به کار و حمایت اجتماعی و مسائل نفت و گاز. حتی حضور ۲۵ درصدی زنان در پارلمان عراق نیز لزوماً به معنای بلندتر شدن صدای زنان در این کشور نبوده است. با وجود افزایش نسبی تعداد زنان در کمیته‌های تخصصی مجلس، آن‌ها اغلب در کمیته‌های مربوط

به بهداشت، آموزش، خدمات، وضعیت زنان و کودکان و نیز حقوق بشر عضویت داشته‌اند و در هیچ‌یک از کمیته‌های امنیتی و دفاعی، آشتی ملی یا کار و امور اجتماعی حضور نداشته‌اند و در کمیته‌های تخصصی، تعادل جنسیتی رعایت نمی‌شود.

بر اساس گزارش مجمع اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۰ که شاخص‌های شکاف جنسیتی در ۱۵۳ کشور را بررسی می‌کند، عراق در زمینه توانمندسازی سیاسی زنان، رتبه ۱۱۸ و از لحاظ حضور زنان در پارلمان، رتبه ۶۰ و در حوزه وزارت زنان، رتبه ۱۴۵ (= نبود وزیر زن) و بر اساس تعداد سال‌هایی که زنان رهبری کشور را بر عهده داشته‌اند، رتبه ۷۳ را کسب کرده است. عراق در کل در شاخص شکاف جنسیتی رتبه ۱۵۲ از میان ۱۵۳ کشور را دارد. این در حالی است که در سال ۲۰۱۸ عراق رتبه ۱۴۷ را از میان ۱۴۹ کشور به دست آورد. در سال ۲۰۱۸ رتبه عراق در توانمندسازی سیاسی زنان، ۹۰؛ حضور در پارلمان، ۵۷ و مشارکت زنان در وزارت، ۱۱۲ (= ۱۰,۵ درصد از کل وزرا) بود.

در بسیاری از موارد نیز طرح‌ها و ابتکاراتی که برای احقاق حقوق زنان ارائه می‌شوند، تحت تأثیر مسائل سیاسی قرار گرفته و شکست می‌خورند؛ برای مثال، دولت عراق کمیسیون عالی حقوق بشر را جایگزین وزارت حقوق بشر نمود که یک‌سوم از اعضای چهارده‌نفره آن را زنان تشکیل می‌دهند؛ با این حال، این کمیسیون و آثار آن، به دلیل بن‌بست‌ها و امتیازات سیاسی‌ای که بلوک‌های سیاسی پارلمان ایجاد می‌کنند، به چالش کشیده شده است. همچنین، طرح مبارزه با خشونت علیه زنان که دولت الکاظمی به پارلمان ارائه کرد نیز به دلیل اختلافات سیاسی بی نتیجه ماند.

موانع موجود

زنان برای مشارکت اجتماعی و فعالیت سیاسی با مصائب زیادی روبه‌رو هستند. در عراق حتی زنان معدودی که در جایگاه‌های مدیریتی و اجرایی قرار دارند، از تعرضات و خشونت مصون نیستند. زنانی که کاندیدا یا نماینده پارلمان می‌شوند، آماج توهین‌های جنسیتی قرار دارند. همچنین، در بحث‌های محوری و مهم مشارکت داده نمی‌شوند. در پارلمان نیز به کمیته‌های تخصصی که نقشی تعیین‌کننده در سیاست‌های کلان دارند و از وزنه سیاسی سنگین‌تری برخوردارند، راه نمی‌یابند.

در این میان نباید فقدان مهارت‌های ارتباطی و اقناع و نیز ضعف شبکه‌های ارتباطی در جامعه مدنی زنان را از نظر دور داشت. به‌علاوه، زنانی که نماینده می‌شوند، بیش از حمایت از مسائل زنان مایل‌اند از مواضع حزب متبوع خود دفاع کنند. خود زنان عراقی نیز به توانمندی خود برای مشارکت در امور سیاسی به‌عنوان رهبر یا تصمیم‌ساز، چندان باور ندارند. زنان عراقی حتی از برخی حقوق اولیه خود نیز ناآگاه‌اند؛ برای مثال، آن‌ها رفتارهایی همچون مورد خشونت جسمی قرار گرفتن از جانب همسر یا ممانعت همسر برای خروج از منزل را جزء حقوق خود نمی‌دانند. این یعنی مفهوم خشونت علیه زنان در عراق با مفهوم بین‌المللی آن متفاوت است. دلایل این تفاوت می‌تواند باورهای فرهنگی غلط و رایج، تربیت سنتی، تصورات نادرست از دین و ناآگاهی مردان و زنان باشد. بنابراین در چنین جامعه‌ای، رسیدن به جایگاه مطلوب اجتماعی و سیاسی برای زنان امری بسیار دشوارتر از کشورهای دیگر است.

علاوه بر این، مطبوعات نیز در عراق از وضع مناسبی برخوردار نیستند. خبرنگاران زن معدودند و نوشتن از مطالب مربوط به حقوق بشر و بحث‌های چالش‌برانگیز زنان چندان رایج نیست. چنین خبرنگارانی به‌وفور مورد اهانت و

سوء قصد قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی، رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی که امکان مخفی ماندن هویت را فراهم می‌کنند، امن‌تر به نظر می‌رسند؛ هرچند خود فضای مجازی هم بستر مناسبی را برای برخی آزارها علیه زنان و دختران فراهم آورده است. بر این اساس، کار در رسانه‌ها نیز برای زنان با دشواری‌هایی همراه است.

تا زمانی که عراق تحت حکومت حزب بعث بود، جامعه مدنی در عراق وجود نداشت و اگر فعالیتی هم بود، زیرمجموعه حکومت بود. کمی پس از سقوط صدام، نهادهای اجتماعی کم‌کم ظاهر شدند. از سال ۲۰۰۳ سازمان‌های متعددی نیز برای حمایت از حقوق زنان و برابری جنسیتی شکل گرفتند، مانند انجمن زنان بغداد. با این حال، نهادهای مدنی زنان در عراق بسیار ضعیف و آسیب‌پذیر هستند و نیاز به حمایت‌های مالی دارند. از سوی دیگر لازم است دولت، قوانین مناسبی را برای حمایت از آن‌ها در برابر خشونت و آزار و اذیت وضع نماید.

جمع‌بندی

با حضور ایالات متحده در عراق و قرار گرفتن آن در برابر فرهنگ عراقی و اسلامی، بسترهای رقابت بر سر قدرت و منابع پیچیده‌تر شده است. ایالات متحده هیچ تلاشی برای تعدیل نظم مردسالار جامعه سنتی عراق نکرد. در سال‌های پس از اشغال، دولت‌هایی که روی کار آمدند، توان یا اراده‌ای برای تغییر اوضاع به نفع زنان نداشتند. زنان به نام دین، فرهنگ و سنت از دستیابی به قدرت و حتی برخی حقوق آشکار خود دور نگاه داشته شدند. ادعای اینکه مداخله نظامی به بهبود وضع زنان منجر خواهد شد، حداقل در عراق پاسخ مناسبی نبود و حتی مسائلی همچون جنگ، آوارگی، خشونت، ناامنی ناشی از ضعف دولت مرکزی و نیز حضور بیگانگان، بحران انسانی و فقر را به مشکلات قبلی آن‌ها افزود.

ناامنی ناشی از حمله نظامی آمریکا، دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای و قومی و ادامه حضور آن‌ها در عراق، بدون توجه به حقوق بشر، در مجموع، نه تنها وضعیت زنان در عراق را بهبود بخشید، بلکه بر مصائب آن‌ها اضافه کرد. این حال، نگاهی که می‌کوشد زنان را فقط قربانی تصویر کرده و بر ضعف و آسیب‌پذیری آن‌ها تأکید می‌کند، دیگر کمک چندانی به بهبود جایگاه اجتماعی و سیاسی آن‌ها نمی‌کند؛ هرچند وجودش در مراحل اول ضروری است. پس از گذر از این مرحله لازم است به موضوع اصلی توانمندسازی زنان و مشارکت و دسترسی آن‌ها به قدرت بپردازیم تا امکان تحقق صلح پایدار ایجاد شود. مردم عراق، اعم از زن و مرد، به صلحی واقعی و پایدار در کشور خود نیاز دارند که این مهم بدون مشارکت مؤثر زنان توانمند در این فرایند، امکان‌پذیر نخواهد شد؛ چراکه صلح پایدار فقط با رفع نابرابری‌ها و جبران خطاهای گذشته محقق می‌شود.

تأسیس نهادهای مرتبط با زنان پیشرفت مهمی به حساب می‌آیند؛ ولی این در صورتی است که امکانات و اختیارات مناسبی در اختیار داشته باشند. برای نمونه، توصیه‌های اداره توانمندسازی زنان که تنها نهاد متمرکز بر زنان در قوه مجریه است، لازم‌الاجرا نیستند و این اداره، بودجه مناسبی هم ندارد. با استمرار و توسعه تغییرات مثبت، اما اندکی که ایجاد شده است، می‌توان سطح تعاملات زنان و دسترسی آن‌ها به سطوح بالای قدرت را تا حد قابل قبولی ارتقا بخشید؛ چراکه با وجود ضعف‌های موجود در این سیستم، سهمیه‌بندی عادلانه می‌تواند گامی برای آغاز کاهش تبعیض‌ها باشد. برای مثال، باید سهمیه‌هایی که در کرسی‌های پارلمان به زنان اختصاص یافته است، در حوزه‌های



دیگر از جمله احزاب و کابینه دولت‌ها نیز اعمال گردد. ایجاد نهادهای جدیدی مثل وزارت امور زنان که در سال‌های اخیر زمزمه‌هایی از تأسیس آن شنیده می‌شود، اما تاکنون به وجود نیامده‌اند، می‌توانند مشکلات موجود را آشکار کرده و به کمک خود زنان به یافتن راه‌حل‌ها اقدام کنند و علاوه بر این، تجربه مناسبی برای ورود زنان به سطوح رهبری در آینده باشند.

با وجود تلاش‌های جامعه مدنی در عراق، ساختارهای فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر ساختارهای تصمیم‌گیری به قوه خود باقی مانده‌اند. برخی از گام‌های ضروری برای نزدیک شدن به رفع نابرابری‌های و تبعیض عبارت‌اند از: توانمندسازی زنان برای حضور و مشارکت در امور مهم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛ افزایش اعتماد به نفس و ظرفیت‌های بالقوه آن‌ها برای مدیریت و تصمیمات مرتبط با ایجاد و حفظ صلح؛ در نظر گرفتن سهمیه برای زنان در احزاب و نیز در کابینه؛ حمایت از فرایندهای اجتماعی و فرهنگی برای از بین بردن سنت‌های نادرست و کلیشه‌های منفی علیه زنان؛ امن‌ساختن فضای اجتماعی برای مشارکت فعال و مؤثر آن‌ها؛ برقراری شبکه ارتباطی مناسب میان زنان عراقی و مشارکت در بحث و تبادل نظر درباره مسائل مهم کشور و نیز استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای آگاه‌سازی و آموزش زنان و دختران.

فعالان زن عراقی با وجود تمام محدودیت‌ها، پیشتازان جنبش‌های هوادار دموکراسی و حقوق بشر هستند. آن‌ها در تلاش‌اند در بستر سازمان‌های مردم‌نهاد، حقوق تضعیف‌شده خود را محقق کنند. چنین نهادهایی می‌کوشند با کمک به زنان آسیب‌دیده و آموزش آن‌ها، امکان استقلال مالی و نیز ظرفیت‌های آن‌ها را ارتقا بخشند. نمی‌توان چنین اندیشید که زنان فعال عراقی، متأثر از اصول غربی، خواستار حقوق خود هستند؛ بلکه هدف آن‌ها مقابله با فرهنگ مردسالارانه خاص کشور خودشان است؛ هرچند آموزه‌های لیبرالی هم بر افکار آن‌ها بی‌تأثیر نبوده است.



منابع

1. Al-Ali, Nadjé and Nicola Pratt. 2016. Positionalities, intersectionalities and transnational feminism in researching women in post-invasion. In: Wibben, Annick T. R. (ed.) Researching War: Feminist Methods, Ethics and Politics. Interventions . Abingdon: Routledge, pp. 76-91.
2. Vilardo, Valeria and Sara Bittar. 2018. Gender profile Iraq. Research Report. UN WOMEN.





جمهوری اسلامی ایران
وزارت برنامه ریزی اقتصادی

سهم زنان از قدرت در عراق پساصدام



مجلس شورای اسلامی ایران



مجلس شورای اسلامی ایران



مجلس شورای اسلامی ایران

سهم زنان از قدرت در عراق پساصدام
